



Research Article

The Role of Core and Compensatory Schemas in Predicting Forgiveness of Self and Others

Elham Fathi* : Assistant Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran.
fathielham@gmail.com

Abolfazl Hatami Varzaneh: Assistant Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Humanities, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran.
abolfazlhatami@yahoo.com

Mahdi Yarmohammadi: Master of Clinical Psychology, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.
yarmah@chmai.ir

Abstract

This study aimed to predict self and other forgiveness based on core and compensatory schemas among students of Tehran universities. Four hundred and seven students from Tehran universities were recruited through Multi-stage cluster sampling. The Schema Questionnaire- short version and Forgiveness Scale were utilized. The data were then analyzed using Pearson correlation and multiple linear regression. The results showed a significant positive relationship between the core and compensatory schemas and the non-forgiveness of self and others. The results also showed that core schemas could significantly predict the non-forgiveness of self and others. Therefore, it could be concluded that not forgiving self and others can be rooted in early experiences that have developed early maladaptive schemas. Finally, the role of core schemas in shaping an individual's inability to forgive was discussed from a clinical and research point of view.

Key words: Compensatory schema, Core schema, Forgiveness of others and self, Schema

*. Corresponding author



نقش طرحواره‌های بنیادی و جبرانی در پیش‌بینی بخشش خود و دیگری

الهام فتحی*: استادیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

fathielham@gmail.com

ابوالفضل حاتمی روزنه: استادیار مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.

abolfazlhatami@yahoo.com

مهدی یارمحمدی: کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان،

ایران.

yarmah@chmai.ir

چکیده

هدف این تحقیق، پیش‌بینی بخشودگی خود و دیگری براساس طرحواره‌های بنیادین و جبرانی در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران بود؛ به همین منظور، تعداد 407 نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران با نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. از دو پرسشنامه فرم کوتاه طرحواره‌ها و بخشودگی خود و دیگری استفاده شد. سپس داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان دادند بین طرحواره‌های بنیادین و جبرانی و نبخشیدن خود و دیگری رابطه مثبت معنادار وجود داشت. همچنین، نتایج نشان دادند طرحواره‌های بنیادین به صورت معناداری بخشودگی را پیش‌بینی کردند؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت ناتوانی فرد در بخشش خود و دیگری می‌تواند ریشه در تجارب گذشته داشته باشد که طرحواره‌ها را شکل داده‌اند. نقش طرحواره‌های بنیادین در شکل‌گیری ناتوانی فرد برای بخشش از منظر بالینی و پژوهشی بحث شد.

واژه‌های کلیدی: بخشودگی دیگری و خود، طرحواره‌های بنیادین، طرحواره‌های جبرانی، طرحواره‌های ناسازگار

اولیه

مقدمه

بخشودگی، دست کشیدن از حق تلافی جویانه متعاقب صدمه وارده، تعریف شده و عنوان می‌شود فردی که انتخاب می‌کند ببخشد، تشخیص، پیش‌بینی و تلاش می‌کند برخلاف قانون تلافی عمل کند (Sells & Hargrave, 1998). بخشش در دو حیطه بررسی می‌شود: بخشش خود به معنای رهایی از افکار و احساسات منفی (سرزنش خود، پشیمانی، خشم و غیره) نسبت به خود به سبب اشتباهات گذشته و بخشش دیگران به سبب آسیب‌هایی که رسانده‌اند (Thomasine et al., 2005). بخشودگی عملی تقدیر آمیز و نامشروط است که به یقین در توان فرد متألم است. همچنین، بخشودن عملی اضدادی است که شخص را از نیاز به انتقام و تلافی جویی به سبب اهانت‌ها و یأس‌های گذشته معاف می‌سازد که در خلال فرآیند نو میناسازی و همسطح‌سازی صورت می‌گیرد (Hill, 2001). در فرهنگ وبستر^۱ بخشودگی به صورت رهایی از احساس انزجار نسبت به عمل ارتكابی غلط، اغماض از طلب خسارت، یا جبران عمل از سوی فرد خطاکار و چشم‌پوشی از تقصیر او تعریف شده است. مفهوم بخشودگی به عنوان فرآیند چشم‌پوشی از حق عصبانیت و انزجار از یک عمل ارتكابی برگزیده تعریف شده است که شخص سالم، رفتاری گرم و محبت‌آمیز را با فرد خاطی در پیش می‌گیرد (Zakiei et al., 2010). بخشودگی یکی از واکنش‌هایی است که امکان تداوم روابط با وجود اشتباه، خیانت یا ناکامی در برآورده ساختن انتظارات را ممکن می‌سازد. بخشودگی اجازه نمی‌دهد عواطف منفی بازدارنده صمیمیت بر فرد غلبه کند و این واکنش معرف ظرفیت شناختی پیچیده‌تر شخص است. بخشودگی اجازه می‌دهد روابط استمرار یابند و با وجود تهدیدها، صمیمیت تقویت شود؛ از این رو، بخشودگی ابزار مهمی در حفظ و تداوم روابط پایدار است (Saffarian Tosi et al., 2018). بخشودگی

می‌تواند با ایجاد چارچوب شناختی و رفتاری مطلوب در زمان کدورت‌ها، رنجش‌های بین‌فردی را کاهش دهد (Ehteshamzadeh et al., 2009). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یکی از متغیرهایی است که بخشودگی می‌تواند رابطه معناداری با آن داشته باشد. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل می‌گیرند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند. رفتار یک فرد بخشی از طرح‌واره محسوب نمی‌شود؛ بلکه رفتارهای ناسازگار در پاسخ به طرح‌واره به وجود می‌آیند؛ بنابراین، رفتارها از طرح‌واره‌ها نشئت می‌گیرند؛ ولی بخشی از طرح‌واره محسوب نمی‌شوند (Young et al., 2003). در پژوهشی که به بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، بخشودگی و انتقام پرداخته است، این نتیجه حاصل شد که بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و بخشودگی رابطه معنادار منفی وجود دارد و هر چقدر میزان و شدت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بیشتر باشد، به همان اندازه هم میزان بخشودگی کاهش پیدا می‌کند (Brock, 2014). همچنین، نتایج پژوهش دیگری نشان دادند بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با بخشش، همبستگی منفی و معنادار و بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با انتقام همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت. یافته‌های این تحقیق نشان دادند مؤلفه‌های بازداری هیجانی و آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری پیش‌بینی‌کننده منفی و معناداری برای بخشش بود و مؤلفه‌های محرومیت هیجانی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری و خویش‌تن‌داری ناکافی پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت و معنادار انتقام گزارش شد (Abbasi & Omidvar, 2015). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان الگوهای خود آسیب‌رسان مطرح‌اند؛ اما در بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، برخی طرح‌واره‌های بنیادین و برخی طرح‌واره‌های جبرانی‌اند (Young et al., 2003; Young, 1999). طرح‌واره‌های بنیادین نتیجه آسیب‌های وارد شده به مفهوم خود در طول دوران رشدند؛ در حالی

1. webster.

بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است. یانگ (1998) این پرسشنامه را برای اندازه‌گیری 15 طرحواره ساخته است. این مقیاس شامل 75 ماده است که در طیف لیکرت 6 درجه‌ای (کاملاً غلط تا کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. نمره بالا در یک خرده‌مقیاس معین، احتمال بیشتر وجود یک طرحواره غیرانطباقی را برای فرد نشان می‌دهد (Ghiasi et al., 2011). این پرسشنامه پنج حوزه طرحواره‌ای را می‌سنجد که عبارت‌اند از: 1- بریدگی و طرد؛ 2- خودگرانی و عملکرد مختل؛ 3- محدودیت‌های مختل؛ 4- دیگر جهت‌مندی و 5- گوش به زنگی و بازداري بیش از حد (Young et al., 2003). همچنین، 3 حوزه اول طرحواره‌های بنیادین و 2 حوزه بعدی طرحواره‌های جبرانی را بررسی می‌کنند (Simeone-DiFrancesco et al., 2015). در تحقیق انجام‌شده در خارج از ایران همسانی درونی مقیاس را 0/96 گزارش کردند. به‌علاوه، همسانی درونی تمامی خرده‌مقیاس‌ها بالاتر از 0/80 بود. پایایی بازآزمایی خرده‌مقیاس‌ها هم بین 0/5 تا 0/82 به دست آمد (Waller et al., 2001). پژوهش انجام‌شده در ایران همسانی خرده‌مقیاس‌ها را بین 0/62 تا 0/90 و نمره کل را 0/94 گزارش کرده است (Sadooghi et al., 2008). همچنین، در پژوهش دیگری که از روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ برای محاسبه پایایی پرسشنامه فرم کوتاه استفاده کرده است، نتایج نشان می‌دهند در ضرایب پایایی میانگین آلفای محاسبه‌شده برابر با 0/80 بود. بالاترین ضریب آلفا درباره خرده‌مقیاس نقص - وابستگی - اطلاعات (0/87) و کمترین ضریب آلفا برای خرده‌مقیاس خودانضباطی ناکافی (0/60) به دست آمد (Divandari, 2009). همچنین، روایی هم‌زمان این پرسشنامه در تحقیقی 0/64 گزارش شد (Ghiasi et al., 2011).

مقیاس بخشودگی موگر و همکاران² (1992) برای سنجش بخشش خود و دیگری است. این پرسشنامه یک

که طرحواره‌های جبرانی به‌منظور کنارآمدن یا اجتناب از فعال‌شدن طرحواره‌های ابتدایی ایجاد می‌شوند؛ بنابراین، علاوه بر سبک مقابله‌ای، نوعی مقابله نیز در سطح طرحواره‌ها وجود دارد. با گذر زمان طرحواره‌های جبرانی سخت‌تر و ناسازگارتر می‌شوند و به تقویت‌کننده‌های طرحواره‌های ابتدایی ختم می‌شوند (Simeone-DiFrancesco et al., 2015).

از آنجایی که تمایز بین طرحواره‌های بنیادین و طرحواره‌های جبرانی به لحاظ بالینی اهمیت بسزایی دارد و در ادبیات پژوهشی به آن توجه نشده است و با توجه به اهمیت بخشودگی، هدف این پژوهش، تعیین نقش طرحواره‌های بنیادین و جبرانی در پیش‌بینی بخشودگی خود و دیگری است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر توصیفی - مقطعی و از نوع همبستگی بود. جامعه بررسی‌شده در این پژوهش دانشجویان دانشگاههای تهران بود. نمونه مدنظر این پژوهش با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دانشگاههای تهران و براساس جدول مورگان 407 نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در مرحله نخست، از بین دانشگاههای تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات و مرکزی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و در مرحله دوم از هر کدام از دانشگاهها یک دانشکده به‌صورت تصادفی انتخاب و در هر کدام از دانشکده‌ها در سال تحصیلی 97 - 1396 پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی توزیع شد.

ابزار سنجش: پرسشنامه فرم کوتاه یانگ¹ (2003) بر پایه مشاهدات تجربه‌شده متخصصان بالینی ساخته شده است. این پرسشنامه خودگزارشی و دارای 205 ماده است و برای اندازه‌گیری شانزده طرحواره غیرانطباقی اولیه طراحی شده است. فرم کوتاه‌تر این پرسشنامه به دلیل داشتن ویژگی‌های نسخه اصلی و نیز سهولت اجرا

² Mauger et al. Forgiveness Scale

¹ Young Schema Questionnaire Short Form

روش اجرا و تحلیل: در ابتدا پروپوزال تحقیق در کمیته اخلاق دانشگاه نویسنده دوم با کد 13820701962007 تأیید شد، سپس بسته پرسشنامه‌های مذکور به همراه اطلاعات جمعیت‌شناختی و فرم رضایت آگاهانه، تهیه و با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای در میان نمونه پژوهش، توزیع و در نهایت، با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده از بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران، 56 درصد آن را مردان و 44 درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین، در مقاطع تحصیلی، 58 درصد کارشناسی، 38 درصد کارشناسی ارشد و 4 درصد دکترا است. از نظر سن، 15 تا 25 سال 76 درصد، 26 تا 35 سال 17 درصد، 36 به بالا هم 7 درصد پاسخ‌دهندگان را تشکیل دادند و تعداد 87 درصد پاسخ‌دهندگان مجرد و 13 درصد متأهل بودند. در جدول 1 میانگین، انحراف معیار و نیز ضرایب همبستگی بخشش خود، بخشش دیگری، طرحواره‌های بنیادین و طرحواره‌های جبرانی آورده شده‌اند.

پرسشنامه 30 سؤالی است که دو خرده‌مقیاس بخشش دیگری و بخشش خود را می‌سنجد. 15 سؤال اول مربوط به بخشودگی دیگری و 15 سؤال دوم آن مربوط به بخشش خود است. هر چقدر نمرات خرده‌مقیاس‌ها افزایش پیدا کند، مقدار بخشودگی، کاهش و نابخشودگی افزایش می‌یابد (Sohrabi & Fathi, 2012). طیف پاسخگویی پرسشنامه موگر از نوع لیکرت بوده که به ترتیب از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق و از امتیاز 1 تا 5 تهیه شده است. در خصوص پایایی، هر دو خرده‌مقیاس بخشودگی از همسانی درونی مناسبی برخوردارند (بخشش دیگری، $\alpha = 0/79$ ؛ بخشش خود، $\alpha = 0/82$). اعتبار باز آزمایی برای بخشش دیگری ($r = 0/94$) و بخشش خود ($r = 0/67$) گزارش شد. موگر و همکاران گزارش کردند این دو خرده‌مقیاس، همبستگی کمی باهم دارند ($r = 0/37$). بررسی درونی بخشودگی خود در نمونه ایرانی که روی 65 نفر از زنان مطلقه به صورت تصادفی، انتخاب و اجرا شده بود، آلفای کرونباخ برابر با 0/87 به دست آمد. همچنین، روایی صوری و محتوای پرسشنامه حاضر تأیید شد (Sohrabi & Fathi, 2012; Fathi et al., 2015).

جدول 1. میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای طرحواره‌های بنیادین و جبرانی و نابخشودگی خود و دیگری

Table 1: Mean, Standard Deviation, and matrix of correlation for variables of core and compensatory schemas and non-forgiveness of self and others.

4	3	2	1	SD	M	متغیرهای پژوهش	ردیف
				37/43	120/05	طرحواره‌های بنیادین	1
			0/622**	14/34	55/08	طرحواره‌های جبرانی	2
		0/101*	0/273**	9/26	41/40	نابخشودگی دیگری	3
	0/454**	0/268**	0/338**	9/71	43/75	نابخشودگی خود	4

**P<0/01 *P<0/05

نابخشودگی دیگری و نابخشودگی خود هم افزایش خواهد یافت. همچنین، بین طرحواره‌های جبرانی و نابخشودگی دیگری و خود رابطه معنادار مشاهده می‌شود.

با توجه به جدول شماره 1، بین طرحواره‌های بنیادین و نابخشودگی دیگری و نابخشودگی خود با مقادیر ضریب همبستگی پیرسون رابطه معنادار مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، با افزایش طرحواره‌های بنیادین، میزان

باقیمانده‌های مدل رگرسیونی تأیید می‌شود؛ بنابراین، از رگرسیون خطی برای محاسبات آماری پیش‌بینی استفاده می‌شود. جدول 2 رگرسیون نمرات بخشش خود و دیگری را براساس طرحواره‌های بنیادین و جبرانی نشان می‌دهد.

به منظور بررسی مفروضه نرمال بودن داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. با توجه به نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف، سطح معنی‌داری برای متغیر بخشش دیگری (1/164) و برای متغیر بخشش خود (1/178) بود که با توجه به اینکه این مقادیر از پنج صدم بیشتر است ($p > 0.05$)، پیش فرض نرمال بودن

جدول 2. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه متغیرهای بخشش خود و دیگری براساس طرحواره‌های بنیادی و جبرانی

Table 2. Summary of the multiple regression models for the forgiveness of self and others variables based on core and compensatory schemas

ردیف	متغیرهای وابسته	متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	آماره دورین واتسون	سطح معناداری
1	بخشش خود	طرحواره‌های جبرانی	0.266	0.072	0.07	1.93	0.00
		طرحواره‌های بنیادین	⁰ .338	0.114	0.112	1.92	0.00
2	بخشش دیگری	طرحواره‌های جبرانی	0.10	0.010	0.008	2.16	0.037
		طرحواره‌های بنیادین	⁰ .273	0.074	0.072	2.17	0.00

**P<0/01 *P<0/05

واتسون مدل بین 1.5 تا 2.5 است که نشان از ناهمبستگی پایایی است.

در ادامه در جدول 3 برای بررسی نقش متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته، رگرسیونی آزمون می‌شود که در آن بخشش (خود و دیگری) متغیر وابسته و متغیرهای طرحواره‌های بنیادین و جبرانی متغیرهای مستقل اند. نتایج به صورت زیرند.

در جدول فوق، مقدار آماره مربع R (ضریب تعیین تعدیل شده) برای هر یک از متغیرهای بخشش خود و دیگری در رابطه با طرحواره‌های بنیادین آورده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود طرحواره‌های بنیادین 0.11 درصد از تغییرات متغیر بخشش خود و 0.072 درصد از واریانس بخشش دیگری را تبیین می‌کنند. همچنین، با توجه به جدول فوق، مقدار آماره دورین

جدول 3. تحلیل واریانس الگوی تأثیر طرحواره‌های جبرانی و بنیادی بر بخشش خود و دیگری

Table 3: Analysis of variance of the pattern of the effect of compensatory and core schemas on self and other forgiveness

متغیر وابسته	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی‌داری
نبخشیدن خود	رگرسیون	2	2419.14	28.92	0.00
	باقی مانده‌ها	422	83.62		
	کل	424			
نبخشیدن دیگری	رگرسیون	2	1494.85	18.77	0.00
	باقی مانده‌ها	422	79.60		
	کل	424			

**P<0/01 *P<0/05

از 0.05 است ($p < 0.05$)، پس مدل رگرسیون مدنظر معنادار است. جدول 4 ضرایب رگرسیونی را در رابطه با

با توجه به نتایج جدول 3، سطح معنی‌داری برای نبخشیدن خود (0.00) و بخشش دیگری (0.00) کمتر

متغیرهای وابسته و طرح‌واره‌های جبرانی و بنیادین بررسی می‌کند که در ادامه بررسی می‌شوند.

جدول 4. نتایج رگرسیون خطی ساده برای پیش‌بینی بخشش خود و دیگری از طریق طرح‌واره‌های جبرانی و بنیادی
Table 4. Simple linear regression results for predicting self and other forgiveness through compensatory and core schemas

سطح معنی‌داری	T	ضرایب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		متغیر وابسته
			انحراف استاندارد	B	
0.00	17.19		1.82	31.37	عرض از مبدأ
0.086	1.71	0.100	0.04	0.068	بخشش خود طرح‌واره‌های جبرانی
0.00	4.73	0.276	0.015	0.072	طرح‌واره‌های بنیادین
0.00	19.76		1.78	35.18	بخشش عرض از مبدأ
0.066	-1.84	-0.110	0.039	-0.071	دیگری طرح‌واره‌های جبرانی
0.00	5.72	0.341	0.015	0.084	طرح‌واره‌های بنیادین

**P<0/01 *P<0/05

قادر بودند؛ اما طرح‌واره‌های جبرانی به پیش‌بینی معنادار بخشودگی در فرد قادر نیستند. در تبیین موضوع می‌توان بیان کرد طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری‌اند که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند و طی دوران کودکی شکل گرفته و در مسیر زندگی در رابطه خود و دیگری به بقا ادامه داده و به شدت ناکارآمدند (Young et al., 2003). نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نابخشودگی دیگری و خود را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، هر چقدر طرح‌واره‌های ناسازگار افزایش یابند، نابخشودگی نیز افزایش خواهد یافت. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌مثابه عدسی‌هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می‌گذارند. طرح‌واره‌های غیر انطباقی اولیه ساختارهای شناختی عمیقی، شامل باورهایی درباره خود، دیگران و محیط‌اند که اطلاعات مربوط به رابطه بین فرد و محیط را تحریف و افکار خودکار منفی را فعال می‌کنند و در نهایت، نگرش و پردازش شناختی نابهنجار را در پی دارند. بر اساس این، انتظار می‌رود با فعال شدن طرح‌واره‌های

با توجه به جدول فوق، برای متغیر بخشش خود، شیب خط رگرسیونی استاندارد شده طرح‌واره‌های جبرانی برابر (0.100) و طرح‌واره‌های بنیادین برابر (0.276) است. همان‌طور برای متغیر بخشش دیگری میزان شیب خط رگرسیونی در طرح‌واره‌های جبرانی برابر (-0.110) و در طرح‌واره‌های بنیادین برابر (0.341) است. همان‌طور که نتایج این جدول نشان می‌دهد سطح معنی‌داری ضرایب برای متغیر طرح‌واره‌های بنیادین در هر دو متغیر وابسته بخشش خود و دیگری کمتر از 0.05 ($p < 0.05$) و معنادار است؛ اما برای متغیر طرح‌واره‌های جبرانی برای هر دو متغیر بخشش خود و دیگری معنادار نیست.

بحث

نتایج این مطالعه وجود رابطه معنادار بین طرح‌واره‌های بنیادین و جبرانی و بخشودگی دیگری و خود را تأیید می‌کند؛ یعنی با افزایش طرح‌واره‌های بنیادین و جبرانی، نابخشودگی دیگری و نابخشودگی خود هم افزایش خواهد یافت. همچنین، نتایج این تحقیق نشان دادند طرح‌واره‌های بنیادین به پیش‌بینی بخشودگی

طرحواره‌های جبرانی سخت‌تر و ناسازگارتر می‌شوند و به تقویت‌کننده‌های طرحواره‌های ابتدایی ختم می‌شوند (Simeone-DiFrancesco et al., 2015). تحقیق حاضر از نظر مبنای نظری با این تقسیم‌بندی همخوان است و نشان می‌دهد طرحواره‌های بنیادین در شکل‌گیری دیدگاه‌های شناختی فرد مؤثر بوده‌اند و این موضوع از نظر بالینی بسیار حائز اهمیت است. با توجه به اینکه تحقیقات بسیار کمی در رابطه با تقسیم‌بندی طرحواره‌ها (بنیادی و جبرانی) در رابطه با مؤلفه‌هایی مانند بخشودگی انجام شده است، می‌توان از این بعد طرحواره‌ها در تحقیقات بعدی استفاده کرد.

نتیجه اینکه این تحقیق به این منجر شد که چشم‌انداز ما نسبت به افزایش بخشودگی دیگری و خود با تمرکز بر شکل‌گیری باورهای ابتدایی دوران کودکی گسترش یافت. می‌توان با بررسی نوع طرحواره و ایجاد درمان‌های مبتنی بر طرحواره به میزان درخور توجهی نسبت به افزایش میزان بخشودگی خود و دیگری برای رسیدن به سلامت روان حرکت کرد؛ بنابراین، به درمان‌گران و پژوهشگرانی بخشش درمانی، توصیه می‌شود وجود طرحواره‌های بنیادین و جبرانی قبل از طی مراحل درمان را بررسی و از آن به‌عنوان یک مسیر کوتاه برای افزایش بخشودگی دیگری و خود و سپس رسیدن به سلامت روان استفاده کنند؛ از جمله محدودیت‌های این تحقیق این است که این تحقیق در جامعه دانشجویان تهران و در میان افراد تحصیل کرده و عمدتاً جوان انجام شد و تعمیم‌پذیر به جوامع دیگر نیست که پیشنهاد می‌شود در جوامع دیگر با تحصیلات متفاوت و در سنین متفاوت هم بررسی شود.

منابع

احتشام‌زاده، پ.، احدی، ح.، عنایتی، م.، مظاهری، م. و حیدری، ع. (1387). رابطه برون‌گرایی،

ناسازگار، میزان نابخشودگی دیگری و خود در فرد افزایش یابد (Young, 1999). می‌توان گفت با فعال‌شدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه، میزان تمایل به انتقام و نابخشودگی افزایش می‌یابد (Brock, 2014). برخی از طرحواره‌ها به بی‌اعتمادی به خود یا دیگران منجر می‌شود و برداشت‌های منفی به‌نوبه خود بر توانایی بخشش خود و دیگران تأثیر می‌گذارد. برخی از طرحواره‌ها مانند نقص / شرم، نگرش افراد نسبت به خود را تغییر می‌دهند و برخی دیگر، مانند بی‌اعتمادی و بد رفتاری نگرش افراد را نسبت به دیگران تغییر می‌دهد که به تغییر بخشش منجر می‌شود.

طرحواره‌ها به تغییر دیدگاه‌های فرد نسبت به خود و دیگران منجر می‌شود و این تغییر برداشت فرد نسبت به خود و دیگران نیز بر نوع تعامل با خود و دیگران تأثیر می‌گذارد. پس استنباط می‌شود بخشودگی خود و دیگری هم به‌عنوان نوعی تعامل با خود و دیگری، متأثر از طرحواره‌ها است. طرحواره‌ها بر پردازش تجارب بعدی تأثیر می‌گذارند و نقش عمده‌ای در تفکر، احساس و رفتار و نحوه برقرار ارتباط با دیگران دارند. معمولاً ماهیت ناکارآمد طرحواره‌ها وقتی ظاهر می‌شود که افراد در روند زندگی روزمره خود و در تعاملاتشان با دیگران به گونه‌ای عمل کنند که طرحواره‌ها تأیید شوند (Young et al., 2003).

همچنین، وقتی طرحواره‌های بنیادین ایجاد شدند، فرد به دنبال کنار آمدن با این طرحواره‌ها به دنبال نوع سبک مقابله‌ای در مقابل طرحواره و جبران آن خواهد بود. برخی از انواع جبران‌های ایجاد شده در این مسیر می‌توانند طرحواره‌هایی باشند که برای کاهش آسیب‌های وارده از طرحواره‌های بنیادین ایجاد می‌شوند که به آنها طرحواره‌های جبرانی می‌گویند که در مقابل طرحواره‌های بنیادین به‌عنوان جبران‌کننده آسیب‌های وارد از طرحواره‌های اولیه عمل می‌کنند که با گذر زمان

پژوهش‌های نوین و مدیریت دانش در علوم انسانی، تهران. مؤسسه شهاب دانش.

غیاثی، م.، مولوی، ح.، نشاط دوست، ح. و صلواتی، م. (1390). بررسی ساختار عاملی پرسشنامه طرحواره

یانگ (نسخه سوم فرم کوتاه) در شهر تهران. مجله دست‌آوردهای روانشناختی، 18(1)، 93-118.

فتحی، ا.، منشی، غ.، حاتمی و رزانه، ا.، اصلی آزاد، م. و فرهادی، ط. (1394). تأثیر آموزش گروهی

خودبخشودگی مبتنی بر مفاهیم قرآنی بر عزت نفس نوجوانان پسر. پژوهشنامه روانشناسی مثبت، 1(1)،

93-106.

References

- Abbasi, Z. & Omidvar, B. (2016, September 7-8). The role of early maladaptive schemas in predicting forgiveness [Paper presentation]. *International conference of modern research and knowledge management in human sciences*, Tehran: Shahab Knowledge Management Institute. (In Persian).
- Brock, J. P. (2014). *Examining the Relationships between Early Maladaptive Schemas, Forgiveness, and Vengeance*. [Unpublished dissertation. Regent University]. Retrieved from: <https://www.proquest.com/openview/8b425d8089cea9bfeb6e27bc80a565541?pq-origsite=gscolar&cbl=18750>.
- Divandari, H. (2009). The Young Schema Questionnaire – Short Form (SQ-SF): Investigating Psychometric Properties and Factor Structure among Students in Islamic Azad University, Kashmar Branch. *Educational Researches*, 5(20), 1-29.
- Ehteshamzadeh, P., Ahadi, H., Erayati, M., Mazaheri, M. M., & Heydari, A. R. (2009). Relationship Between Extraversion, Neuroticism, Forgiveness and Islamic Coping Strategies with Happiness in College Students of Ahvaz Universities in 1387. *Knowledge & Research in Applied Psychology*, 10(38), 63-92. (In Persian).
- Fathi, E., Manshaee, G., Hatami, A., Asli Azad, M., Farhadi, T. (2015). The Effectiveness of Self-Forgiveness Group Training Based on the Quran Concepts on Self-esteem of the Adolescent Boys. *Positive Psychology Research*, 1(1), 93-106. (In Persian).
- Ghiasi, M., Molavi, M., Neshatdost, H., Sakavati, M. (2011). The Factor Structure of Farsi Version of

روان‌نژند‌گرایی، بخشودگی و راهبردهای مقابله اسلامی با شادکامی در دانشجویان دانشگاه‌های اهواز در سال 1387، دانش و پژوهش در روانشناسی، 10(38)، 63-92.

دیوانداری، حسن. (1388). فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ: (SQ-SF). بررسی ویژگی‌های

روانشنجی و ساختار عاملی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر سال تحصیلی 86-

1385. فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی، 5(20)، 1-29.

زکی بی، ع.، خدادادی، ک.، علیخانی، م.، رستمی، س. و کرمی، ج. (1389). رابطه مهارت‌های زندگی و

ویژگی‌های شخصیتی با بخشودگی زناشویی در میان زنان شهر کرمانشان، مجله زن و مطالعات خانواده،

3(10)، 75-91.

سهرابی، ف. و فتحی، ا. (1390). اثربخشی برنامه درمانی خودبخشودگی بر مبنای مفاهیم قرآنی بر

کاهش افسردگی زنان مطلقه، مجله جامعه‌شناسی زنان، 3(1)، 65-85.

صدوقی، ز.، آگیلار-وفایی، م.، رسول‌زاده طباطبایی، ک. و اصفهانیان، ن. (1387). تحلیل عاملی نسخه

کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ در نمونه غیربالینی ایرانی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران،

4(2)، 214-219.

صفاریان طوسی، م.، ثوابی، م. و خوبی‌نژاد، غ. (1397).

نقش عوامل واسطه‌ای بخشش و امید در تأثیرگذاری ویژگی‌های شخصیتی بر رضایت زناشویی زوجین در

معرض طلاق. پژوهشنامه روانشناسی مثبت، 4(2)، 71-85.

عباسی، ز. و امیدوار، ب. (۱۳۹۵، شهریورماه ۱۷-۱۸)،

نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی بخشش (مقاله ارائه شده در کنفرانس). کنفرانس

- Sohrabi, F., & Fathi, E. (2012). Effectiveness of Self-Forgiveness Group Therapy Based on Quranic Principles on Divorced Women's Depression Reduction. *Quarterly Journal of Women and Society, 3*(9), 65-85. (In Persian).
- Thompson, L. Y., Snyder, C. R., Hoffman, L., Michael, S. T., Rasmussen, H. N., Billings, L. S., ... & Roberts, D. E. (2005). Dispositional forgiveness of self, others, and situations. *Journal of personality, 73*(2), 313-360.
- Waller, G., Meyer, C., & Ohanian, V. (2001). Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women. *Cognitive Therapy and Research, 25*(2), 137-147.
- Young, J. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach* (3rd ed.). Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Guilford Press.
- Zakiei, A., Khodadadi, K., Alikhani, M., Rostami, S., & Karami, J. (2010). Relationship of life Skills and Personality Traits with Marital Forgiveness among Women in Kermanshah. *Women and Family Studies, 3*(10), 75-91. (In Persian).
- Young Schema Questionnaire-S3 in Two Groups in Tehran. *Journal of Psychological Achievements, 18*(1), 93-118. (In Persian).
- Hill, W. (2001). Understanding forgiveness as discovery: Implications for marital and family therapy. *Contemporary Family Therapy, 23*(4), 369-384.
- Mauger, P. A., Perry, J. E., Freeman, T., & Grove, D. C. (1992). The measurement of forgiveness: Preliminary research. *Journal of Psychology and Christianity, 11*(2), 170-180.
- Sadooghi, Z., Aguilar-Vafaie, M. E., Rasoulzadeh Tabatabaie, K., & Esfahanian, N. (2008) Factor Analysis of the Young Schema Questionnaire-Short Form in a Nonclinical Iranian Sample. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 14* (2), 214-219. (In Persian).
- Saffarian Tosi, M., Savabi, M., & Khoei Nejad, G. (2018). The Role of Mediatory Factors of Hope and Forgiveness in Personality Traits Effect on Marital Satisfaction of Couples on the Verge of Divorce. *Positive Psychology Research, 4*(2), 71-85. (In Persian).
- Sells, J. N., & Hargrave, T. D. (1998). *Forgiveness: A review of the theoretical and empirical literature*. *Journal of Family Therapy, 20*(1), 21-36.
- Simeone-DiFrancesco, C., Roediger, E., & Stevens, B. A. (2015). *Schema therapy with couples: A practitioner's guide to healing relationships*. Wiley-Blackwell.